

درباره علم اسامی بیشتر بدانید:

هر فرد بسته به نامی که با آن صدا زده میشود در یکی از چهار مدار اشرافی، عرفانی، کم درآمد و حادثه آفرین قرار میگیرد. این دسته ها به زبان ساده ظرفی رو برای شما مشخص می کنند. بعنوان مثال فردی که در مدار حادثه آفرین قرار می گیرد ظرفی سست و ترک خورده دارد و طبیعتا این ظرف گنجایش و توان مختصری دارد و گاهی استفاده کننده از این ظرف متحمل خسارت جانی و مالی میشود، دقیقا مثل این که شما بخواهید از یک لیوان شکسته آب بخورید...

از طرفی پس از ازدواج پیوند جدیدی در دنیای اسامی ایجاد میشود که رابطه تفاهم، سلامتی و گشایش مالی در این پیوند قابل بررسیست موارد ذکر شده چیزی نیست که متعلق به دیروز و امروز باشد، این علم تاریخچه کهنی دارد به طور مثال روزبه اصفهانی وقتی در جستجوی حقیقت به سرزمین حجاز، خدمت پیامبر اکرم ص رسید، پس از مسلمان شدن حضرت محمد ص نام سلمان را بر ایشان نهادند و یا مادر امام زمان عج که نوه قیصر روم بودند پس از عقد نامشان به نرجس تغییر یافت. از دانشمندان و حکمای ایرانی نیز میتوان به شیخ الرییس ابوعلی سینا و شیخ بهایی بزرگ اشاره کرد تا جایی که مرحوم شیخ بهایی در کتاب سرمستتر آشکارا به وجود این علم اشاره کرده و حتی بخش اندکی از این علم را نیز آموزش داده است (البته در نسخه های موجود ناقص است) در دنیای امروز ناشناخته هایی وجود دارد که ناخواسته بر زندگی ما تاثیرگذار است، هر چند ما آنها را نمی شناسیم و یا از وجود آنها بی اطلاعیم اگر شخصی نداند که جاذبه وجود دارد و از بلندی خود را پرتاب کند، جاذبه به آگاهی ایشان اعتنا نمی کند و ایشان قطعاً آسیب خواهد دید این اتفاق ساده قبل و بعد کشف جاذبه رخ میداد. برخی از افراد چنین عنوان می کنند که این از عدالت خداوند بدور است که فردی با نامی در دسته حادثه آفرین و دیگری با همان نام در دسته اشرافی قرار بگیرد اما این قوانین قبل از خلقت انسان وضع گردیده و این شرایط برای همه یکسان است. گمان نکنم اگر کسی به بیماری خاصی مبتلا شود و دیگری نشود ارتباطی به عدالت خداوند داشته باشد و یا تولد کسی در خانواده ای ثروتمند و دیگری در خانواده ای فقیر عدالت خدا را تحت الشعاع قرار دهد. امروز شما به هر دلیلی از وجود این قانون آگاهی با شماست که به سادگی از کنار این علم تاثیر گذار عبور کنید و یا با تدبیر از این علم استفاده نمایید امام حسین (ع) فرمودند: آن علمی که جدم خاتم النبیین صلی الله علیه و آله بدان خوانده شده علم حروف است و علم حروف در لام است و علم لام در الف است و علم الف در نقطه و علم نقطه در معرفت اصلیه و علم معرفت اصلیه در علم ازل و علم ازل در مشیت و علم مشیت در علم غیب هویت است. کودک شما لایق نیکوترین نام است. انتخاب نام کامل و زیبا برای فرزند دختر و پسر یکی از بحث های شیرین والدین است. خانواده ها عموماً به زیبایی نام توجه می کنند ولی باید به این نکته توجه داشت که هم آهنگی نام با نام والدین یا خواهر و برادر باید جزو آخرین ملاک های شما باشد. در انتخاب نام ابتدا باید فرکانس و مداری که نام انتخابی شما در آن قرار دارد بررسی شود و پس از تحلیل کارشناسانه فرکانس از میان لیست اسامی عالی، به انتخاب نام بپردازید. افراد زیادی از طریق علم حروف فرکانس نام فرزندشان را بررسی کرده و با عقل و تدبیر انتخابشان را تغییر داده اند و اکنون خیر و برکت نام عالی فرزندشان زندگیشان را متحول نموده است. آیا می دانید با انتخاب یک نام، دوازده سرنوشت مختلف را برای فرزند خود رقم می زنید!؟

یکی از حقوقی که فرزند بر گردن پدر و مادر دارد، انتخاب نام کامل و نیکوست. تا جایی که فرزند می تواند در قیامت خانواده خود را مواخذه کند که چرا این نام را برای من انتخاب کرده اید. نامی را بر فرزند خویش بگذارید که او در دل، تا پایان زندگی شما را نفرین نکند. نام خوب برای فرزند را با آگاهی و پژوهش انتخاب کنید، نه در خواب و رویا. بیچاره فرزندی که مادر و پدرشان، بدون هیچ پژوهشی، نام آنها را از روی هنرپیشگان زمان خود را برگزیده اند. هم آوایی و هم آهنگی بین نام فرزندان خوب است، اما این بهانه ای برای گزینش یک نام بد، برای فرزند تازه ما نیست.

نحوه محاسبه نام افراد

به وسیله حروف الفبا که در جدول ذیل آمده است می‌توان عدد هر نام را محاسبه کرد .

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط
۱۰	۲۰	۳۰	۴۰	۵۰	۶۰	۷۰	۸۰	۹۰
ی	ک	ل	م	ن	س	ع	ف	ص
۱۰۰	۲۰۰	۳۰۰	۴۰۰	۵۰۰	۶۰۰	۷۰۰	۸۰۰	۹۰۰
ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ
۱۰۰۰								
غ								

حروف پ ، چ ، ژ ، گ چهار حرف الفبای فارسی هستند که دارای دوایر انرژیایی هستند که ارتعاشات چند گانه‌ی خاص خود را دارند ولی در محاسبات وارد نمی‌شوند. نوع ارتعاش این حروف در ماده طوری است که مرز بین ماده و ضد ماده را نمی‌شناسند و انعکاس و بازگشتی ندارند و در نتیجه تأثیری بر روی ماده ایجاد نمی‌کنند. ارزش عددی این حروف در محاسبه صفر در نظر گرفته می‌شود. مانند نوترونها که در هسته اتم خنثی هستند. حرف پ حالت خنثی دارد و تارهای صوتی را به ارتعاش در نمی‌آورد.

برای محاسبه نام هر فرد فقط و فقط نامی که خوانده می‌شود و از زبان اطرافیان جاری می‌گردد و روی محیط مادی تأثیرگذار است مورد بررسی قرار می‌گیرد که با استفاده از جدول بالا حرف به حرف محاسبه می‌شود، سپس اعداد آن را جمع نموده و مجموع همه حروف را به دست می‌آوریم تا در محاسبات بعدی از آن استفاده شود.

نکات مهم :

— ممکن است شخص در شناسنامه خود نامی داشته باشد ولی یا نام دیگری او را صدا زنند. در این روش فقط همان نامی محاسبه می‌شود که او را صدا می‌زنند و بر هوا و ماده تأثیر گذاشته و صوتی که در محیط زندگی پخش شده است چه در شناسنامه آمده باشد و چه نیامده باشد .

— گاهی افراد به دلیل صمیمیت ، اسم عزیزان خود را شکسته و مخفف صدا می‌زنند.

مثال: کتابیون را کتی صدامی زنند. اکرم را اکی ، احترام را اتی ، بتول را بتی ، محمد را مملی تلفظ می‌نمایند. از دیدگاه علم حروف و اعداد نام شخص را باید به طور کامل و بدون شکستگی صدا زد. چنانچه بخواهیم شکسته یا مخفف ادا نماییم باید این نام دارای معنا و زیبایی و تمامیت باشد تا به هویت شخص خدشه‌ای وارد نیاید. در غیر اینصورت شخص دچار از خود بیگانگی شده و احساس گمگشتگی در بخشی از وجود خود می‌کند .

— بعضی افراد با القاب و اسامی اجتماع‌پسند نامیده می‌شوند مانند : آقا سید، حاج آقا، حاج خانم ، عزیز ، امیرزا ، مشهدی ، کبلی (مخفف کربلایی). ناگزیر ارتعاش این اسامی باید بررسی شوند و با این اسامی رایج باید محاسبه شوند.

— ممکن است یک نفر به علت جایگاه خاص اجتماعی دارای چند شخصیت باشد و از نقطه نظر علم جامعه شناسی دارای چند نقش باشد و در هر جایگاه نام جداگانه‌ای بر او اطلاق گردد . باید برای هر موقعیت ویژه وضعیت او را محاسبه نمود و اسامی خطرناک و نابهنجار را حذف نمود.

پایگاه اجتماعی

اولین تأثیری که انتخاب نام هر فرد در هنگام شکل‌گیری و تولد روی کره خاکی به ظهور می‌رسد طبقه یا پایگاه اجتماعی اوست. منش و کرداری که فرد از خود بروز میدهد مهم است. شاید در یک خانواده فقیر متولد شده است اما سکناات و حرکاتی که از خود نشان می‌دهد قابل بررسی است. بطور کلی ۴ طبقه ظاهری تعریف می‌شود که هر یک دارای مشخصات و مراتب خاص خود است و عبارتند از:

۱- اشرافی ۲- عرفانی ۳- کم درآمد ۴- حادثه‌آفرین

برای پیدا کردن طبقه اجتماعی‌ای که از ارتعاش نام ایجاد می‌شود:

وقتی اسم شخصی را صدا می‌کنیم چه او را مستقیماً مخاطب قرار دهیم و چه در رابطه با او صحبت کنیم، تمام موجودیت او در قالب نام وی و تصویر ذهنی او مطرح است. با توجه به مطالب فصل قبل صوت بر مواد و عناصر جهان تأثیر می‌گذارد و عوارض و اثراتی برجا می‌گذارد و اسمی که برای هر شی یا فرد گزینش می‌شود تعیین‌کننده ماهیت، هویت و شخصیتی او است که جای بحث بسیار دارد. عدد نام شخص را با توجه به جدول الفبا در مبحث قبل محاسبه نموده، همچنین عدد نام مادر وی را نیز محاسبه و با هم جمع می‌نماییم. (نام مادر نیز باید از همین قاعده پیروی کند یعنی نامی که صدا زده می‌شود) جای تعمق دارد که چرا در اینگونه محاسبات همواره نام مادر شخص مطرح است. عدد حاصل در جهان ماده بر چهار لایه تأثیرگذار است و در ۴ گروه دسته بندی می‌شوند. هر لایه یا طبقه دارای خصلتها و خصایص و صفاتی است که وقتی شخص را با آن نام صدا می‌زنند، یعنی انرژی صوت در مسیر خود به سمت شخص حرکات و ارتعاشاتی ایجاد می‌نماید که حاوی یا ایجاد کننده‌ی صفات همان طبقه است.

طریقه محاسبه:

مرحله اول: عدد نام شخص + عدد نام مادر او

مرحله دوم: تقسیم بر عدد ۴ می‌شود.

مرحله سوم: به باقیمانده توجه می‌شود.

در این روش چهار نوع باقی‌مانده می‌تواند وجود داشته باشد.

حالت اول: اگر باقی‌مانده تقسیم صفر باشد (یعنی عدد بر چهار قابل قسمت باشد): ارتعاشات صدا

بسیار عالی است و مثبت و سازنده است و شخص تحت تأثیر چنین ارتعاشاتی که از طرف همه کسانی که او را می‌شناسند و صدا می‌زنند دارای یک زندگی اشرافی و پر رونق و برکت و یا با کبر و فخر و غرور می‌باشد. این پایگاه از لحاظ درصد رفاه و موفقیت بین ۷۵٪ تا ۱۰۰٪ اطلاق می‌گردد.

حالت دوم : اگر باقی مانده تقسیم برابر ۳ باشد : در رده دوم ارتعاش صوت بر ماده دارای ماهیتی است که شخص در مسیر علم و دانش قرار می‌گیرد. حتی اگر از کتاب و درس دور باشد ولی به مباحث علمی علاقمندی نشان می‌دهد و ادراک او بیشتر بر مبنای میل به آگاهی و شناخت شکل می‌گیرد تا جنبه مالی یا تجملی زندگی او.

تفاوت عمده حالت اشرافی با رده عرفانی در این است که در طبقه اشرافی هم علم و هم ثروت وجود دارد و هم شئون اجتماعی و اعتبارات وسیع در بین دیگر اقشار مردم اما در طبقه عرفانی کسب علم و دانش و هنر رتبه اول دارد و ثروت در درجه دوم اهمیت است.

از لحاظ درصد رفاه و جذب موقعیتهای عالی زندگی ، از ۵۰٪ تا ۷۵٪ در نظر گرفته می‌شود.

حالت سوم : چنانچه باقی مانده تقسیم عدد ۲ باشد : نوع تأثیرات امواج و ارتعاش صوت که از نام خود شخص برمی‌خیزد از بین برنده نتایج زحمات فرد می‌باشد و کوشش و تلاشهای فرد در زندگی هر چقدر افزایش یابد بی‌نتیجه است و شخص از یک زندگی بخور و نمیر و کم درآمد برخوردار است . نه راهی برای ادامه تحصیل پیدا می‌کند و نه مسیری برای پیشرفت مالی و ثروت.

حالت چهارم : زمانی که باقی مانده تقسیم برابر ۱ باشد : افرادی که نامشان تحت تأثیر چنین ارتعاشاتی واقع می‌شوند افراد خطرناک و حادثه‌آفرین قلمداد می‌شوند. موج حاصله از چنین اصواتی دارای انرژی تخریبگر و ویران کننده‌ای است که نه تنها بر سرنوشت خود افراد به شدت اثرات منفی می‌گذارد بلکه بر اطرافیان و خویشان و نزدیکان وی نیز چنین تأثیری دارد. از نظر در اختیار داشتن موقعیتهای سازنده و عالی ، نهایتاً ۲۵٪ زندگی را دارند و دائماً در لبه پرتگاه نابودی و نیستی قرار می‌گیرند.

چنین افرادی دارای یک زندگی سراسر شکست و ناکامی ، حوادث و اتفاقات ناگوار و غیرمنتظره هستند که غیر قابل کنترل و سهمگین است. اکثراً چنین افرادی در بدو تولد سبب مرگ والدین خود می‌گردند یعنی سوانح و حوادثی در اطراف آنان موج می‌زند که اطرافیان آسیب می‌بینند و یا دچار اعتیاد به مواد مخدر و مشروبات الکلی می‌شوند زیرا (به غلط و خطا) فکر می‌کنند که هیچ چیز نمی‌تواند رنج و ناراحتی درونی آنان را التیام بخشد و ورشکستگی مالی ، خیانت و دورویی اطرافیان، بیماری و بداقبالی چنان لایه‌های وجود آنان را دائماً مورد تهدید و تهاجم قرار می‌دهد که هیچ چیز نمی‌تواند موجب آرامش و آسایش آنان شود و گاهاً به خودکشی و جنایت نیز ختم می‌شود. در مبحث جرم‌شناسی و پیشگیری از جرایم ، این موضوع ارزش بررسی و جای تأمل بسیار دارد.

نکته بسیار مهم: حادثه‌آفرینی این قبیل افراد (طبقه چهار اجتماع یعنی افراد خطرناک و حادثه‌آفرین) از لحاظ نجومی به طالع و کوكب مریخی اشخاص ارتباط دارد.

اگر هر ماه تولد را با سیاره‌اش بعنوان پشتیبان و حامی و مریخی فرد در نظربگیریم اشخاصی که در رابطه با سیارات قویتر هستند اگر حادثه آفرین باشند تمام افراد دور و بر خود را مورد تهاجم ترکشهای امواج مخرب قرار می‌دهند. اما اگر فرد حادثه‌آفرین متولد ماهی باشد که با سیارات ضعیفتر در ارتباط باشد ترکشها انعکاس یافته و به خود او بازگشت می‌خورد و بدشانسی و گرفتاری و حوادث به طور عجیبی سراسر زندگی خود او را به صحنه‌های تخاصم و جدال و بدبختی تبدیل می‌سازد. در فرهنگ عامیانه آنها را بدقدم ، بدشگون ، نحس و سرخور می‌پندارند.

نکات مهم :

- اگر پدر یا مادر یک خانواده حادثه‌آفرین باشند اثرات مخرب و خطرناک بسیاری بر سرنوشت همه فرزندان خود و همچنین دیگر بستگان درجه اول خود خواهند داشت . کما اینکه در دوران کودکی و تجرد خود این تأثیرات را در زندگی والدین و خواهران و برادران خود اعمال کرده‌اند .
- چنانچه دو نفر هم زن و هم شوهر و هم حادثه‌آفرین باشند زندگی بسیار تلخ و پر جنگ و جدال خواهند داشت و آوارگی، ورشکستگی مالی، سقوط اخلاقی، اعمال منافی عفت تا حد قتل و جنایت رخ خواهد داد. موارد بسیاری بررسی شده که اکثر فرزندان چنین والدینی در دوران جنینی از بین می‌روند.
- اگر پدر یا مادر حادثه‌آفرین بوده و در همین وضعیت فوت نموده باشند این تأثیر دائمی بر جای خواهد ماند . در چنین حالتی فقط با تغییر نام فرزند می‌توان اثرات مخرب را تا حدودی از بین برد.
مثال :

نام دختری م ... = ۲۹۰ است و نام مادر خ ... = ۶۲۲ . او در کدام طبقه قرار دارد؟

$$۲۹۰ + ۶۲۲ - ۹۱۲ \quad \Leftarrow \quad ۹۱۲ \text{ را بر } ۴ \text{ تقسیم می‌کنیم :}$$

باقیمانده برابر صفر است. یعنی این دختر باید در وضعیت اشرافی باشد اما چنین نیست ! چرا ؟
باید یک یک افراد خانواده بررسی شوند تا معلوم شود چرا وضعیت این خانم نابسامان است؟
ابتدا وضعیت مادر را بررسی می‌کنیم :

$$\text{نام مادر} - ۶۲۲ \quad \text{نام مادر بزرگ} - ۵۵۰ \quad ۱۱۷۲ - ۵۵۰ + ۶۲۲$$

۱۱۷۲ تقسیم بر ۴ می‌شود و باقیمانده این تقسیم برابر صفر می‌شود یعنی طبقه اشرافی
وضعیت معاش و پیشرفت مالی و عدد باطن
طریقه محاسبه امور مالی:

مرحله اول : نام شخص + نام خانوادگی او

مرحله دوم : عدد حاصل از جمع تقسیم بر ۳ می‌شود.

مرحله سوم : باقی‌مانده این تقسیم بررسی می‌شود.

در این مرحله سه وضعیت مختلف ممکن است پیش بیاید:

وضعیت اول : باقی‌مانده تقسیم صفر باشد. (سیر مالی ثابت)

چنانچه باقی‌مانده وجود نداشته باشد وضعیت مالی شخص در همان طبقه خود ثابت باقی می‌ماند:
نه پیشرفتی دارد و نه ضرر مالی دارد.

وضعیت دوم: باقیمانده برابر ۱ باشد. (افت مالی - وضعیت مالی نزولی است)

در چنین موقعیتی، افت مالی و ضرر و زیان مطرح می‌شود.

وضعیت برادر او: م = ۵۹۰ نام مادر = ۶۲۲ $۱۲۱۲ = ۶۲۲ + ۵۹۰$

۱۲۱۲ تقسیم بر ۴ می‌شود و باقیمانده این تقسیم نیز صفر است یعنی طبقه اشرافی.

اما این خانواده مشکلاتی دارند که با این محاسبات جور در نمی‌آید! نام پدر را بررسی می‌کنیم.

پدر = ۱۸۰ نام مادر بزرگ پدری = ۲۵۱ $۳۳۱ = ۲۵۱ + ۱۸۰$

۳۳۱ تقسیم بر ۴ می‌شود و باقی‌مانده این تقسیم برابر ۳ است و پدر این خانواده عرفانی است و

حداقل بررسی نشان می‌دهد که در این خانواده مادر و فرزندان در یک جبهه هستند و پدر به تنهایی در

جبهه دیگر و او از جانب خانواده اش زیاد مورد قبول قرار نمی‌گیرد. سطح رفتار پدر برای بقیه افراد

خانواده زیاد مورد تأیید نیست. بچه‌ها به مادر خود بیشتر گرایش دارند. تبعات و عوارض چنین

گرایشی تعادل فرهنگ خانواده را دچار آشفتگی و نوسان می‌کند.

اما ضرر و زیان مالی به نسبت طبقه‌ای که شخص در آن است محاسبه می‌شود. یعنی اگر شخص در

طبقه اشرافی باشد ضرری که شامل حال او می‌شود مبالغ بسیار بالا خواهد بود. (در حد میلیارد)

اگر در طبقه عرفانی است مبالغ ضرر و زیان مالی در حد متوسط به بالا است. (در حد تا ۱۰۰ میلیون)

ضرر و زیان مالی در طبقه کم درآمد نیز در حد پایین تر از متوسط است. (در حد زیر ۱ میلیون)

وضعیت سوم: باقیمانده ۲ باشد. (پیشرفت مالی - وضعیت مالی صعودی است)

در این حالت زندگی فرد با سود مالی و پیشرفت اقتصادی همراه است. و با طبقه‌ای که در آن است،

سود و پیشرفت او مناسبت دارد. سود و پیشرفت کسی که در طبقه اشرافی است با سود و

پیشرفت فردی که در طبقه عرفانی یا کم درآمد است فرق بسیار دارد.

مثال: نام و نام خانوادگی: عدد نام = ۲۵۴ عدد فامیلی = ۵۳۴

مجموع دو مورد بالا $۷۸۸ = ۲۵۴ + ۵۳۴$

عدد حاصل را بر ۳ وضعیت ثابت مالی و ضرر و پیشرفت تقسیم می‌نماییم:

باقیمانده تقسیم عدد ۲ است یعنی این شخص در زندگی خود دارای پیشرفت مالی خوبی خواهد بود.

مهمترین نکته در این فرمول، در عدد باطن شخص نهفته است. این عدد حاصل تقسیم مجموع نام و نام

فامیلی بر عدد ۳ است و ربطی به باقیمانده ندارد. این عدد (خارج قسمت) اگر برابر اسماء الهی باشد یا

برابر نام ائمه باشد بسیار نیکو است. (در اینجا برای تقسیم از ماشین حساب استفاده نکنید زیرا باید

باقیمانده و خارج قسمت را در اختیار داشته باشید)

تفاهم بین همسر یا شرکاء

این بخش به داشتن تفاهم با همسر و بررسی اوضاع و احوال درون خانواده اختصاص دارد. برای محاسبه رابطه بین دو نفر نیز از این شیوه استفاده می‌شود:

مرحله اول: نام شخص + نام همسر

مرحله دوم: عدد حاصل را بر ۵ تقسیم می‌کنیم.

مرحله سوم: باقیمانده تقسیم را بررسی می‌نماییم.

پنج حالت مختلف پیش می‌آید:

حالت اول: باقیمانده این تقسیم برابر صفر (به عبارت دیگر برابر ۵ باشد) باشد و یا عدد مجموع دو

نام بر ۵ قابل قسمت باشد. حالت دوم: باقیمانده عدد یک. حالت سوم: باقیمانده تقسیم عدد دو.

حالت چهارم: باقیمانده برابر عدد سه. حالت پنجم: باقیمانده تقسیم عدد چهار.

بررسی کلی: اگر باقیمانده تقسیم عدد فرد باشد یعنی ۱ یا ۳ یا ۵ (حالت اول) باشد تفاهم بین این

دو فرد برقرار است.

این تفاهم جای بحث دارد. در مورد باقیمانده ۱، بیشتر زن کوتاه می‌آید ولی روابط بین دو طرف خوب است و مردسالاری حاکم است. در مورد باقیمانده ۵، بیشتر مرد کوتاه می‌آید و زندگی بیشتر بر مبنای دستورات خانم می‌چرخد یعنی زن سالاری. و بهترین حالت در باقیمانده ۳ است که تفاهم دو طرفه است و در هر موضوع نظر دو طرف تأمین می‌گردد.

اما اگر باقیمانده زوج باشد تفاهم وجود ندارد و دو حالت پیش می‌آید:

اگر باقیمانده ۲ باشد: یعنی یک زندگی تابع ساعات، یک روز خوب و روز دیگر بد، پر از قهر و آشتی، زن و مرد یکدیگر را بسیار دوست دارند اما نمی‌توانند با هم کنار بیایند.

و اگر باقیمانده ۴ باشد: اکثر این ازدواجها به هر دلیلی صورت نمی‌پذیرد و در صورت انجام پایان خوشی ندارد. طلاق، بی‌پولی و ورشکستگی مالی، انحرافات اخلاقی، سرقت، زندان و اسارت، آوارگی و دربه دری، دوری، عقیم ماندن و ... اتفاقات بسیار بد دائماً زندگی را بر این زوجها زهر می‌سازد و در صورت وجود فرد حادثه آفرین، یکی از دو نفر از بین می‌رود و یا بیماری لاعلاج رخ می‌دهد و یا اعمال غیر اخلاقی و حرکات ناشایست و حتی قتل و آدمکشی رخ می‌دهد.

مثال: نام زن = ۲۱۰ نام همسر = ۲۱۲

مجموع نام زن و شوهر = ۴۲۲

با تقسیم مجموع بر عدد ۵، باقیمانده عدد ۲ است. یک زندگی مشترک ۴۵ ساله دقیقاً تابع ساعات که

از لحاظ احساسی و عاطفی دائماً در فراز و نشیب است.

نکته بسیار مهم :

این محاسبه برای بررسی روابط دو شریک و یا دو دوست نیز به کار می‌رود.

بررسی وضعیت جسمانی فرد و همسر او از نظر سلامتی و بیماری

روش محاسبه :

مرحله اول : نام شخص + نام همسر + ۳۲

(عدد ۳۲ عدد ثابتی است که همواره در این محاسبه بدون تغییر است)

مرحله دوم : عدد حاصل را تقسیم بر ۹ نموده در نتیجه ۹ حالت مختلف پیش می‌آید:

حالت ۱ : اگر باقیمانده تقسیم صفر باشد.

حالت ۲ : اگر باقیمانده یک باشد.

حالت ۳ : اگر باقیمانده دو باشد .

حالت ۴ : اگر باقیمانده سه باشد.

حالت ۵ : اگر باقیمانده چهار باشد.

حالت ۶ : اگر باقیمانده پنج باشد .

حالت ۷ : اگر باقیمانده شش باشد .

حالت ۸ : اگر باقیمانده هفت باشد .

حالت ۹ : اگر باقیمانده هشت باشد .

بررسی وضعیت سلامتی و بیماری چنین خواهد بود: اگر باقیمانده تقسیم زوج باشد یعنی عدد ۲ ، ۴ ،

۶ و ۸ باشد هر دو نفر یعنی زن و شوهر عموماً از لحاظ بدنی سالم خواهند بود.

نکته مهم : اگر در چنین حالتی بیماری بروز کرده باشد قطعاً باید یک فرد حادثه آفرین در خانواده

آنها وجود داشته باشد. در غیر این صورت (بیماری بدون علت) نشانه سحر و ارتعاش منفی از نقطه

دیگر است.

اما اگر باقیمانده چنین تقسیمی اعداد فرد باشد به ترتیب وضعیتهای مختلفی پیش می‌آید که به قرار زیر است:

اگر باقیمانده ۱ باشد: در این ازدواج ، زن به بیماری لاعلاج مبتلا می‌گردد.

اگر باقیمانده ۳ باشد : زن به بیماری داخلی مبتلا می‌گردد.

اگر باقیمانده ۵ باشد: هر دو یعنی هم زن و هم مرد به بیماری دچار خواهند شد.

اگر باقیمانده ۷ باشد: مرد به بیماری داخلی مبتلا می‌گردد.

اگر باقیمانده ۹ یعنی صفر باشد : مرد به بیماری لاعلاج مبتلا می‌شود.

نکته مهم : اگر خود این افراد حادثه آفرین باشند یا نزدیکانشان ، وضعیت بیماری صد چندان وخیم‌تر

می‌گردد.

همچنین این فرمول در باره هر دو نفر صادق است یعنی برای بررسی تفاهم بین دو خواهر و برادر ،

دو شریک ، مادر و فرزند ، دو دوست و هر دو نفر به کار می‌رود.

بدین ترتیب با این روش می‌توان بسیاری از مسائل زندگی هر فرد و ارتباطات او را به طور کامل

بررسی و پیش بینی نمود و از ایجاد و بروز بسیاری از موارد منفی جلوگیری به عمل آورد.

شیوه انتخاب نام

اگر قرار است همسری انتخاب شود یا فرزندی متولد شود، برای ارتقای سطح طبقاتی از سطح پایین‌تر به سطوح بالاتر (مثلاً از کم درآمد به عرفانی) نامی انتخاب شود. - انتخاب نام باطنی مورد نظر باشد - برای رفع مشکلات خانوادگی اقدام شود. - برای رفع بیماری از هر یک از طرفین ازدواج اقدام شود. - انتخاب یک نام مناسب از میان چند نامی که شخص را در موارد مختلف صدا می‌زنند. ابتدا باید نام افراد را با دقت بسیار به وسیله این فرمولها بررسی نمود. اگر مورد خطرناک و آسیب‌زایی وجود داشت می‌توان فهرستی از نامهای مورد علاقه که بسیار بهتر است که معانی مناسب و زیبایی نیز داشته باشد تهیه نمود سپس یک به یک با کلیه فرمولها مورد آزمون قرار داد. نامها باید در همه گزینه‌ها جواب مثبت بدهند حتی اگر در یک مورد هم جواب مناسب ندهد بهتر است از آن نام صرف‌نظر شود.

گاه در یک خانواده که همه مشکل دارند با بررسی درست فقط با تغییر نام یک فرد همه مناسبات به بهترین وجه تنظیم می‌شود و نیازی به تغییر نام افراد بیشتر نیست.

نکته مهم: بر طبق دانش حروف و اعداد از انتخاب نامهایی که اعداد آنها با اعداد اسامی منفی یکسان است و یا معانی نامناسب دارند باید خودداری شود.

مثال: نام نسرین عددی برابر ۳۷۰ دارد و ۳۷۰ عدد نام شیطان است. یا جدول حروف الفبا می‌توانید این موضوع را تحقیق نمایید. به تجربه ثابت شده است شماره تلفن، شماره شناسنامه و کارت ملی، پلاک خودرو و پلاک ساختمان با اعداد ۳۷۰ و عدد ۶۶۶ بسیار ارتعاشات منفی دارند.

برای نمونه:

شخصی که در تلفن همراه او عدد ۳۷۰ و در عدد کارت ملی عدد ۶۶۶ داشت و دقیقاً چه از لحاظ اسلامی و چه از لحاظ مسیحیت هر دو کد منفی را دارا بود، آدرس خانه او خیلی عجیب و جالب بود و شماره پلاک خانه او نشان می‌داد که او در شرف یک اتفاق ناکوار است و حرکات و تفکرات او بسیار ناهنجار و دارای انحرافات اخلاقی بود. دائم به کار سحر و جادو مشغول شده بود. دچار توهمات سنگین شده و به مواد مخدر نیز معتاد شده بود. نام مهناز با عدد ۱۰۳ و ابلیس یکسان است.

از انتخاب نامهایی که کلمه شر در آن است پرهیز نمایید. نامهایی مانند شراره، شروین، ...

نکته مهم: تحقیقات نشان می‌دهد در صورت بررسی و پیدا کردن شخص حادثه‌آفرین و برای تغییر نام او، بهترین گزینه این است که نام جدیدی که انتخاب می‌شود فقط یک طبقه ارتقاء یابد و برای مثال از طبقه حادثه‌آفرین به طبقه کم درآمد و اگر کم درآمد باشد، به یک طبقه بالاتر یعنی عرفانی ارتقاء یابد. اگر به یکباره از حادثه‌آفرینی به عرفانی یا اشرافی وارد شود باید منتظر اتفاقات غیر منتظره بسیاری باشد. هر چند که نتیجه بسیار مثبت است اما تغییر و تحولات غیر قابل پیش‌بینی و گاه سهمگین است و در هنگام بروز این تغییرات، ممکن است شک و تردید در دل و ذهن افراد ایجاد شود.

شخص باید ثابت قدم باشد و از فراز و نشیبی که در این تغییر درجات و منازل رخ می‌دهد نهراسد.

نکته مهم دیگر: برای تغییر نام و عبور از هر طبقه باید حتماً و حتماً مراسم قربانی انجام گیرد. یعنی

حداقل یک گوسفند برای هر طبقه رشد باید قربانی شود و بین فقرا تقسیم گردد. پس اگر شخصی

بخواهد از طبقه حادثه‌آفرین نزولی به طبقه اشرافی صعودی برسد باید برای طی این مسیر حداقل ۱۱

قربانی در راه خدا تقدیم نماید.